

۲۴ بازی و ۱۹ شکست

پرسپولیس نقطه ضعف حجازی

ناصر حجازی مهره شانس پرسپولیس در بازی های داربی بوده و پرسپولیس بهترین نتایج خود را در مقابل استقلال زمانی به دست آورده است که حجازی در این تیم حضور داشته است . حجازی در روزگاری از سگربان شماره یک آبی ها بود ، بیشترین گل را از سرخپوشان دریافت کرد و پرگل ترین بازی های پرسپولیس در دوره حضور او در دروازه استقلال رقم خورد . همچنین بهترین پیروزی پرسپولیس در ۲۰ سال اخیر مقابل رقیب سنتی نیز در دوران مربیگری حجازی حاصل شده است
صفحه ۱۰

بکشینه ۲۲ مه‌ماه ۱۳۸۶



امیر حسین ناصری : سر استالی راوز رئیس فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) به جوان ایرانی که برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرده بود، حضورش در انگلیس به دو چیز آنها علاقه‌مند شد؛ فوتبال و سیاست . همین تمایل بود که بعدها در سال‌های فقر و فلاکت پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۳۲۲ منجر به تشکیل تیم فوتبالی به نام شاهین شد . عباس شیرخدا که بعدها به «اکرامی اقدم» تبدیل شد در طول تمام سال‌های پس از تأسیس شاهین از اینکه استالی راوز به او علاقه داشت به خود می‌بالید و در محافل خصوصی خود را فرزند رئیس فیفا می‌نامید . طی سال‌هایی که تیم شاهین تشکیل شد مردم ایران به دلیل آنچه ساها دخالّت در امور سیاسی کشور می‌انگشتند از انگلیسی‌ها متفر بودند و شاید به همین دلیل شاهین حرکت بزرگی برای مرد از انگلستان برنگشته محسوب می‌شد . شاهین میان توده مردم قوت می‌گرفت و برخلاف آنچه در ظاهر می‌نمود کتر عباس اکرامی پایگاه دولتی – سیاسی اش را هیچ‌گاه از دست نداد . کتر سمت‌های مدیرکلی آموزش شاهین را برپروز تهران ، کتر مقامی معاونت وزارت امور و تشو و خورشید و مشاوری بنیاد خاور نزدیک (که یک موسسه امریکایی بود) را تجربه کرد و حتی پس از شهرت شاهین میان عماره مردم به تقابل با رژیم شاه پهلوی به مقام معاونت وزارت آموزش و پرورش (در دوره وزارت مصطفی درخشش) ارتقا یافت . در سویی دیگر جوانی که موسس باشگاه دوچرخه‌سواران بودند ، دو سال پیش از تشکیل باشگاه شاهین ، برای تأمین مخارج و حمایت غیرمادی تصمیم جالبی گرفته بودند . خاتم ، سرودی و پرویز خسروانی ، هر سه نظامی بودند . و نقل خاطر به دربار شاهنشاهی دادشند . این تعلق خاطر موجب تغییر نام دوچرخه‌سواران به تاج شد . در میان این سه نفر ، سروان پرویز خسروانی که نقشی هم در کودتای مرداد داشت دارای جاه‌طلبی بیشتری بود . خاندان خسروانی جزء نژادکین بزرگ شهروستان محلات بودند و رابطه نزدیکی با دربار داشتند . عطا خسروانی برادر پرویز تاقم‌وارزت کار پیش رفت و در حزب ایران نوین به عنوان اولین دبیر حزب انتخاب شد . پرویز خسروانی نیز به سرعت تا درجه سرلشگری ارتقا یافت و حتی به عنوان آجودان شاه انتخاب‌شد . پرویز خسروانی آقندر خسروانی چون شاعر و سیاست‌مدار بود که در ماه‌های پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هر ۱۵ روز یک بار به عنوان افسر نگاهبان کاخ‌های شاهنشاهی ، مأمور به حفظ امنیت دربار می‌شد . با این حال سروان پرویز خسروانی با خاتم و سرودی سر ناسازگاری گذاشت و اختلاف این سه به جدایی خاتم و سرودی از باشگاه تاج انجامید . این شکاف به تسریع در تشکیل تیم سوومی به نام داربی منجر شد . اعضای اصلی باشگاه دارابی را تحصیلکارگان مدرسه دارابی تشکیل می‌دادند . هرچند به‌لحاظ

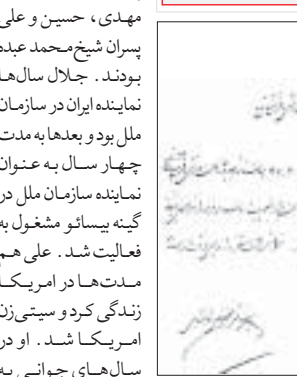
جایگاه و اقبال عمومی ، دارابی هیچ‌گاه نتوانست به سطح شاهین و حتی تاج برسد اما مردان تاثیرگذار بسیاری از این باشگاه به رأس هرم فوتبال رسیدند . اغلب روسای فدراسیون فوتبال از باشگاه تاج با دارابی انتخاب می‌شدند و دقیقاً به همین دلیل هم بود که در برهه‌یی شاهین به تاج نزدیک می‌شد و در برخی موارد به دارابی . در داخل باشگاه شاهین نیز دو طیف وجود داشت . دکتر اکرامی به خسروانی و تاج نزدیک شده بود و دکتر برومند (مرد تاثیرگذار باشگاه) با دارابی قرابت داشت . اما مردم کوچک و خیابان ، شاهین را مرکز جریان ضدشاهنشاهی می‌دانستند . اولین شکل‌های غیررسمی و عیان ضدشاهنشاهی جامعه بر روی سکوهاای ورزشگاه اسجدیه اسکلت‌بندی شد؛ «شاهین مهد تشکیلات سیاسی ضد رژیم شده بود . اگرچه باشگاه و اداره‌کنندگان هیچ نقشی در اداره سکوها نداشتند ولی جریان‌های سیاسی خودجوش حرکت‌شان را در کنار سکوها شکل می‌دادند . » جعفر کاشانی بازیکن آن روزهای تیم شاهین که بعدها به عنوان دیپلمات وزارت امور خارجه به کشورهای انگلستان ، آلمان ، سوئیه و امارات سفر کرد این گونه جریان‌های سیاسی سکوها را تشریح کرد . این تحکرات اقتدر گسترده شد که در سال ۱۳۴۲ در مراسم افتتاحیه مسابقات قهرمانی کشور (آن روزها مسابقات قهرمانی کشور در تمامی رشته‌های ورزشی برگزار می‌شد) در حضور محمدرضا پهلوی سکوها به دو گروه تقسیم شدند . عمده فریاد می‌زند «شا» و جایگاه مقابل «هین» : شا . . . هین . دیدار افتتاحیه میان تاج – شاهین برگزار می‌شد . وقت فدراسیون فوتبال طی نامه‌ی درخواست انحلال شاهین را به سازمان تربیت‌بدنی ابلاغ و فراگزولو رئیس وقت سازمان ورزش ، با این درخواست موافقت کرد . «یکی از مردان آن روز شاهین مدعی این علت است . عده‌یی معتقدند به همین دلیل هم بود که وقتی تیمسار پرویز خسروانی در سال ۱۳۴۶ به ریاست سازمان تربیت‌بدنی رسید حکم به انحلال شاهین داده شد .»
تیمسار امجدی ، تهرانبوران داد .

بسیاری بر این گمانند که انحلال شاهین در سال ۱۳۴۶ با تحکرات خسروانی و باشگاه تاج و به دلیل رقابت و اختلاف ظاهری این دو باشگاه رخ داد؛ «این دارابی چی‌ها بودند که شاهین را منحل کردند . پرویز سرودی رئیس وقت فدراسیون فوتبال طی نامه‌ی درخواست انحلال شاهین را به سازمان تربیت‌بدنی ابلاغ و فراگزولو رئیس وقت سازمان ورزش ، با این درخواست موافقت کرد .»
یکی از مردان آن روز شاهین مدعی این علت است . عده‌یی معتقدند به همین دلیل هم بود که وقتی تیمسار پرویز خسروانی در سال ۱۳۴۶ به ریاست سازمان تربیت‌بدنی رسید حکم به انحلال شاهین داده شد .»
تیمسار امجدی ، تهرانبوران داد .
اتحادیه شاهین

۱۳۴۷ سال مهمی برای باشگاه‌هایی بود که مردان رأس آن در جریان اختلافات سیاسی به بی‌رحمانه‌ترین شکل همدیگر را مورد حمله قرار می‌دادند . اختلاف تیمسارهای نزدیک به دربار هر روز بیشتر می‌شد . تیمسار حاجت ، تیمسار امجدی ، تیمسار اویسی ، سپهبد

نصیری و حتی هویدا در صف مخالفان خسروانی بودند . بی شک منشاء اختلافات آنها باشگاه تاج و ورزشی نبود اما این اختلافات به زور مخالفانش پیش از موافقتش بود . او پیش‌تر تیمسار خاتم (فرمانده نیروی هوایی ارتش) و سرهنگ سرودی را نیز از دست داده بود . این اختلاف ها به برکناری خسروانی از ریاست سازمان تربیت‌بدنی و جایگزینی تیمسار امجدی انجامید . هرچند مخالفان او به بست‌های نظامی تیمسار نیز رحم نکردند و خسروانی تنها به رئیس مرزبانی بسنده کرد . این شرایط پیش از هر زمانی پرویز خسروانی را به فکر انداخت تا شرایطی را فراهم کند که حداقل باشگاه تاج را که اهمیتی برابر سازمان تربیت‌بدنی داشت از دست ندهد . در این زمان او به فکر اهدای باشگاه به دربار شاهنشاهی افتاد . زمانی که او در سوئدا هبه باشگاه بود ، تاج علاوه بر امکاناتی چون کاخ تاج (امروز محل استقرار اداره کل تربیت‌بدنی استان تهران است) ، مجموعه‌های ورزشی دیهیم ، ننازی‌آباد ، بانوان (حجابت امروز) و کلوپ تنیس در اغلب شهرهای بزرگ کشور شعبه‌داشت و همچنین تاج لس‌آنجلس و تاج بزرگ خود افزوده بود . این مجموعه بزرگ‌تر از تصورات خسروانی بود ، به همین دلیل بلافاصله نقشه خود را با «علم» وزیر دربار که از حامیان پروپاقرص اش می‌بود ، به این تمیین گذاشت . به این ترتیب

مردم کوچک و خیابان ، شاهین را مرکز جریان ضدشاهنشاهی می‌دانستند . اولین شکل‌های غیررسمی و عیان ضدشاهنشاهی جامعه بر روی سکوهاای ورزشگاه امجدیه اسکلت‌بندی شد



از وزیر دربار ، وزرای کشور ، آموزش و پرورش ، مدیرعامل شرکت نفت ، شهردار تهران ، رئیس سازمان تربیت‌بدنی ، موسس باشگاه و دو نفر دیگر از مدیران کشور . تدبیر پرویز خسروانی طی نامه‌ی در تاریخ۲۸/۶/۴۷ پس از کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازرگشت و شرکت سهامی CRC را تأسیس کرد . دیگر سهامدار عمده این شرکت محمد خاتم بود . کسی که کده پش از آن به دلیل اختلاف با پرویز خسروانی از باشگاه تاج جدا شد و جزء دشمنان قسم‌خورده وی محسوب می‌شد . ارتشبد محمد خاتم که خلبان شخصی شاه در سال ۱۳۳۲ بود ، بعدها و پس

از ازدواج با فاطمه پهلوی خواهر محمدرضا به سمت فرمانده نیروی هوایی ارتش منصوب شد . به این ترتیب فاطمه پهلوی نیز یکی از سهامداران شاخص CRC بود؛ شرکتی که زمان موافقت شاه اعلام شده و آمده بود «خواهشمند است مقرر دارید پس از ثبت اسامنامه و انجام تشریفات قانونی مراتب را گزارش دهند .»
پرویز خسروانی از سیاست انحلال باشگاه واهمه داشت . سیاستی که پیش‌تر فراگزولو و سرودی در سال ۱۳۴۶ در مورد شاهین امتحانش کردند و خود در سال ۱۳۴۷ ، دارابی ، تهرانبوجان ، شعاع و . . . با همین سیاست منحل کرده بود . دقیقاً به همین دلیل هم او ماده ۳۲ اساننامه را چنین تنظیم کرد: «سازمان تاج ، چه در زمان حیات و چه بعد از فوت موسس قابل انحلال نیست ولی در صورت بروز حوادث غیرتوقیه به نحوی که ادامه فعالیت وجود نداشته باشد توسط زای شورای عالی سازمان تاج ، منسحل می‌شود. . . . براساس این ماده هیچ یک از رقبای سیاسی او قادر به اعمال نفوذ در تاج نبودند . او حتی فکر پس از انحلال را هم کرده بود . تمام اموال و امکانات باشگاه تاج به سازمان ورزش هبه می‌شد .

از ارتش امریکا تا پرسپولیس
علی پسر شیخ محمد اولین دامستان رضاشاه پهلوی بود . جلال ، صنعت و معدن و فراوشگاه‌های زنجیره‌یی کوروش بود . او در سال ۴۱ کارخانه ایران‌ناسویال را تأسیس کرد . روابط خارج از او بسیار موفق بودند . جلال سال‌ها نماینده ایران در سازمان ملل بود و بعدها به مدت چهار سال به عنوان به‌ررسپولیس بازگشتمند . آنتنی ، خاتم و فاطمه پهلوی رابطه دوستانه‌یی خارج از فوتبال و در دنیای سیاست و قدرت با خسروانی نداشتند . پس از آنکه در سال ۱۳۵۱ ، علی عیده با اعلام حرفه‌یی شدن باشگاه پرسپولیس ، تیم اصلی آن را از مسابقات خارج و تنها به دیدار با تیم‌های مطرح خارجی بسنده کرد . پرویز خسروانی که از شرایط به وجود آمده بیسار خشمگین شده بود در نامه‌یی به کامیاب آتابای آجودان شاه و رئیس فدراسیون فوتبال نامه‌یی در جهت تخریب این حرکت نوشت . جمله شاخص این نامه چنین به تحریر درآمد : «تو نمی‌دانی زمانی که رئیس سازمان تربیت‌بدنی بودم از دست عیده و دار و دهنه‌اش چه‌ها کشیدم .»
این جمله حکایت از اختلاف فاز دو قدرت نظامی – سیاسی در میدان ورزش دارد . در طول این سال‌ها خسروانی دیگر قدرت سابق را نداشت و این عیده بود که برخلاف همتای تاجی‌اش نزد مسولان وقت مملکت ارزشمند بود . همین روابط سیاسی خارج از میدان بود ، که منجر به دستور رئیس وقت فدراسیون مبنی

بر حضور پرسپولیس در لیگ دسته اول شد . برخلاف آنچه روی سکوها به شکل مبارزه‌های سیاسی – ورزشی جریان داشت ، اما عیده نزد چنانچه افتتاح طبقه دوم بولینگ عیده توسط شخص محمدرضا و فریدو انجام شد . البته روزگار خوش سیاسی عیده هم چندان دوام نداشت . اوپس از مرگ محمد خاتم در سال ۱۳۵۴ در اثر سقوط هواپیمای با فاطمه پهلوی اختلاف پیدا کرد . این اختلاف به مشکلات مالی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ منجر شد اما وقتی همه به این اختلاف پی برند که تااسیسات بولینگ عیده در سال ۱۳۵۶ دچار حریق شد . بسیاری همچنان معتقدند آتش شورش کار عوامل فاطمه پهلوی بوده زیرا پس از این اتفاق شرکت بیمه کلیه سهام فاطمه پهلوی را به عنوان خسارت پرداخت و علی عیده ی نصیب ماند .

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ باشگاه تاج که سمبل حکومت محسوب می‌شد ، جزء اولین مکان‌هایی بود که توسط کمیته انقلاب تسخیر شد . ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ پس از تسخیر کاخ تاج ، این باشگاه و اماکن آن ملی اعلام شد . جلالی که مدتی پیش از انقلاب به عنوان مدیر داخلی مجموعه انتخاب شده بود به فعالیت خود تا چند ماه پس از این اتفاق ادامه داد . در این زمان فردی به نام میرزایی که ورزشکاربود و داعیه نامزدی ریاست جمهوری نیز داشت مهره دوستاش وارد باشگاه مرکزی شدند و آن را اشغال کردند . با این حال این مرحله نیز مدت زیادی به طول انجامید و چند ماه بعد ، وقتی شاه‌حسینی به عنوان رئیس سازمان تربیت‌بدنی منصوب شد حکمی عنایت آنتنی را به عنوان سرپرست مجموعه کاخ تاج معرفی کرد و آنچه را از میرزایی بازپس گرفت . تاج تا سال ۱۳۵۸ به با همین نام باقی ماند . در این سال به دلیل برگزاری اولین دوره مسابقات فوتبال پس از انقلاب با نام «شهیاد اسپندی» بازیکنان سابق تاج دور هم جمع شدند تا با همین نام از مسابقات شرکت کنند اما پاسخ مسوزان برگزاری مسابقات این جمله بود: «باشما باشگاه نیستید . مجموعه ورزشی محسوب می‌شود. مگر امجدیه تیم دارد که شما داشته باشید .» همین جمله باعث شد آنتنی به فکر تغییر نام باقی بماند . آنتنی و جلالی به سراغ هداری رفتند تا فوتبال آنها را سازماندهی کند؛ «من آدم مناسبی برای این کار نیستم ، چون پیراهن این باشگاه را نپوشیده‌ام .»
کردونی – یک تاجی سابق – آن روز مسوولیت نشر اسکناس سابق مرکزی را داشت . کردنرودی بخش فوتبال را بر عهده گرفت . عنایت آنتنی که رابطه نزدیکی با رئیس وقت سازمان ورزش داشت چند نام برای تغییر تاج پیشنهاد کرد ؛ «آزادی» ، «استقلال» و تسلیح‌اش «استقال» بود .

گفت وگو با مسعود ده‌نمکی در آستانه داربی با اسم مستعار فوتبال بازی می‌کردم

مسعود ده‌نمکی آدم جذابی است . نه به خاطر «اخراجی‌ها » و فروش دومیلیاردی اش که از پش از آن هم «فقر و فحشا» را ساخته بود؛ قبلی مستند که از خودش شنیده‌اند ۱۰ میلیون نسخه قیرقانونی آن بین مردم دست به دست چرخیده که حتی پیش از آن هم وقتی اصلاً سمت دوربین نرفته ، با قلم خودش در نشریات تندرو «شلمچه» و «صبح دوکوهه » حسابی سر و صدا راه انداخته بود ، این آدم جذاب در کارنامه خودش فیلم مستندی دارد به نام «کدام استقلال ، کدام پیروزی »؛ فیلمی که . . .
صفحه ۱۱

سال ششم ، شماره ۱۵۱۳

نگاه‌اول

داربی تهدید نیست

بهباز کتیرایی*

۲۳ خرداد ۱۳۸۲

شرایط خیلی ویژه بود . در فاصله یک ماه تا سالروز اتفاقات کوی دانشگاه تمام گروه‌های ضدانقلاب داخل و خارج کشور ، درصدد به هم ریختن شرایط بودند و تمام توان خود را معطوف داربی تهران کرده بودند . تصور می‌کردند از ازدحام جمعیتی که پیش و پس از بازی ایجاد می‌شود ، می‌توانند سوءاستفاده کنند و حتی در شبکه‌های ماهواره‌یی شعارهایی ساخته بودند که محویت آشوب‌طلبی را مسابقه پرسپولیس – استقلال قرار می‌داد . در این شرایط نظرات مختلفی درباره برگزاری داربی مطرح می‌شد ، برخی مخالف برگزاری بازی بودند چرا که شرایط را غیرقابل پیش‌بینی توصیف می‌کردند اما ما صراحتاً اعلام کردیم توان برگزاری بازی را داریم و نظلمان این بود که لغو مسابقه پرسپولیس – استقلال به مفهوم عقب نشینی و تقویت دشمنان نظام است که ما را آسیب پذیر می‌دانستند . وقتی با برگزاری داربی در روز ۲۳ خرداد موافقت شد ، برنامه های ویژه‌یی در نظر گرفتیم . تاکتیک ما برخلاف آنچه رسانه‌های ضدانقلاب تبلیغ می‌کردند ، ترغیب مردم به حضور در ورزشگاه آزادی بود و حتی چند بار از طریق رسانه‌ها تماشاگران را دعوت به تماشای بازی کردیم . داربی ساعت ۱۵/۳۰ شروع می‌شد و با توجه به آنکه می‌دانستیم از ساعت ۸/۳۰ صبح تماشاگران وارد ورزشگاه می‌شوند ، ۷ ساعت برنامه سرگرم‌کننده برای آنها در نظر گرفتیم . سازمان تربیت‌بدنی حدود ۱۵ میلیون تومان برای این برنامه‌ها هزینه کرد و با همکاری نیروی نظامی یک روز فراموش نشدنی برای تماشاگران داربی و فوتبال ایران ساختیم . ما تماشاگران را روانشناسی کرده بودیم ، لیدرهای هواداران دو تیم را تحت کنترل داشتیم و بارها از رادیو و تلویزیون اعلام کردیم با دوربین‌های مداربسته همه چیز را زیر نظر داریم تا جایی که روز بازی ، همشهری از تیر «پرنده در هوا هم در کنترل ماست» برای «گزارش مصاحبه » با من استفاده کرد . همین دوربین‌های مداربسته و کنترل ویژه بود که خرابکاران را از حضور در ورزشگاه منصرف کرد و روش «انرژی گیر » ما برای سرگرم کردن تماشاگران موجب شد با وجود برتری دو بر یک پرسپولیس ، کمترین خسارت در طول تاریخ رویا رویی دو تیم به سازمان اتوبوسرانی وارد شود . در واقع هیچ اتفاقی پس از آن بازی رخ نداد و سردار قالیباف در اظهارنظری جالب اعلام کرد: «بازی پرسپولیس فینال درگیری‌ها بود . »

۲۰ تیر ۱۳۷۸

وضعیت از خرداد ۸۲ سخت‌تر بود چه این بازی دو روز پس از حوادث کوی دانشگاه و در اوج اتفاقات برگزار می‌شد . در آن شرایط تقریباً همه مخالف برگزاری فینال جام حذفی بودند . مسابقه‌یی که از تقابل پرسپولیس و استقلال در لیگ هم اهمیت بیشتری داشت . سازمان اما موافق برگزاری بازی بود و ارگان‌های دیگر هم کمک کردند تا مسابقه بدون هیچ مشکلی انجام شود . در آن دوران هنوز ورزش به عنوان یک منبع حساس مورد نگاه ویژه اپوزیسیون قرار نگرفته بود . اگر هم برنامه‌یی بود ، بدون فکر بود و مثل ۸۲ با سرمایه‌گذاری مالی و فکری همراه نبود . این بازی که با پیروزی پرسپولیس همراه شد ، از شبکه‌های خارج کشور هم پخش می‌شد و خوشبختانه همه دیدند حساس ترین بازی فوتبال ایران هم بدون هیچ مشکلی برگزار می‌شود .

۲۲ مهر ۱۳۶۸

خوشبختانه ورزش هیچ گاه ابزار خواسته‌های شوم قرار نگفته است . خاصیت سیاسی ورزش این است که در هر شرایطی «لال» و «پاک » باقی می‌ماند و استفاده‌ناپذیر و سوءاستفاده‌ناپذیر است . داربی تهران نه تنها «تهدید» محسوب نمی‌شود بلکه یک فرصت بزرگ و جشن ورزشی ویژه است که تصویری زیبا از ایران می‌سازد . اگر نصف خسارت احتمالی به اتوبوسرانی را صرف سرگرمی و پذیرایی تماشاگران کنیم ، داربی هیچ پیامد بدی نخواهد داشت . در برخورد تماشاگران آنچه همیشه جواب داده «احترام » است و این احترام حتی واکنش‌های عصبی هواداران تیم بازنده را هم خنثی می‌کند . معتقدم داربی ۶۳ هم با تدابیر خوب نیروی نظامی ، مسوولان برگزاری مسابقه و البته سازمان تربیت‌بدنی بدون هیچ مشکلی برگزار خواهد شد ، در یک «مشن ویژه » دیگر شرکت خواهیم کرد .

* مدیرکل سابق حراست سازمان تربیت‌بدنی

نگاه دوم

پرسپولیس – استقلال بازی (بی) کم نظیر

بهمن فروتن

تفاوتی در این نیست که پرسپولیس را اول بنویسیم یا استقلال را ، هر دو در این بازی صاحبخانه‌اند و به همین دلیل اگر تیم‌های مثل آلب میلان و ایترومیلان یا فجر و برق شیراز بودند کلمه «بی را با کلمه «کم » عوض نمی‌کردیم . البته لغتی که در این بازی می‌شود زیاد به کار برد «زیاده » است ، مثلاً اینکه این دو تیم با به حال زیاد با هم بازی کرده‌اند و به دلیل اینکه این بازی‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند ، نیز با همین زبانی همراه هستند تماشاچی‌های زیادی هم به دیدن این بازی‌ها می‌آیند ، زیادت‌ها از هر بازی دیگر و زیادی است که با جمعی هم به دلیل همین زیادتی‌های زیاد ، توجه زیادی به این بازی ویژه و به‌خصوص داشته باشند . در عین حال که مریمان بازیکنان هر دو تیم حرف از بردن می‌زند ولی واقعیت این است که هر دو گروه در خفا دنبال ناخشن هستند ، نتیجه مساوی هیچ کسی را اذیت نمی‌کند و در نهایت رضایت‌کننده‌ترین نتیجه برای همه است اگر دوربی بی‌عیب و ایراد باشد . بازی‌های پرسپولیس و استقلال همیشه دارای سه مرحله هستند : قبل از بازی ، بعد از بازی و در هر مرحله روانشناسی خاص خودش را دارد . در همه بازی‌های این دو تیم چون احتمال برد و باخت پنینجاه پینجاه است بساط کزکی خواندن قبل از بازی زیاد معمول نیست ، بازیکنان و مریمان هر دو تیم محتاط تر عمل می‌کنند و اکثراً خیلی حساب شده حرف می‌زند تا بازتابل آنچه گفته‌اند بعد از بازی روی خودشان خراب نشود . واقعیت این ماقط امید به بردن است که با فرمول‌بندی قبلی و دستور زبانی ی غلط برای رسانه‌ها بازگو می‌شود ، حتماً در این رابطه و شاید هم که برای شما این سوال پیش بیاید که قبل از بازی ، از نظر روانی چگونه به بردن نگاه می‌شود که اینجا از امید به بردن صحبت می‌شود . تجربه نشان می‌دهد قبل از یک بازی سخت ، هر مجموعه‌یی با شرایط متفاوتی به نتیجه نگاه می‌کند در مقابل یک حرف قدر بیشتر آرزوی بردن است یا امید به بردن و تفاوت دارد یا بازی در مقابل یک تیم ضعیف که شما با اراده بردن به میدان می‌روید تا به سه امتیاز ، بازی را به پایان برسانید . استقلال و پرسپولیس هر دو یا آرزوی بردن به میدان می‌روند ببینید : قطعی خیلی سفت و سخت در مصاحبه‌هایش می‌گوید من پرسپولیس را قهرمان می‌کنم ولی وقتی به بازی استقلال می‌رسد ، می‌گوید : ولی نکنتم که استقلال را می‌بریم اینجاست که اهمیت و ویژگی‌های خاص این بازی اراده بردن را در او تحت تأثیر می‌گذارد . به این شکل فشار زیاد ، جنبه‌های روانی مرحله اول را به خوبی آشکار می‌سازد و همین مسائل روحی – روانی دو مجموعه است که ماده خام و اولیه‌یی برای مانور رسانه‌ها می‌شود تا مانند شب عید ، بازار کسب و کار آنها هم رونقی پیدا کند و نانی در آبگوشت «تیلیت » شود . خود بازی ، اوج هیجان است و حاکم مطلق ، تاکتیک ما یعنی اینکه بازی با تاکتیک شروع می‌شود و هر چه از زمان آن می‌گذرد در ارتباط با اتفاقاتی که می‌افتد از آن فاصله می‌گیرد و به اساس نزدیک‌تر می‌شود ، همیشه تیمی که عقب می‌افتد همه محاسبات را زیر پا می‌گذارد و به دروازه حریف هجوم می‌برد . اگر این حالت در این بازی اتفاق بیفتد پرسپولیس سود بیشتری خواهد برد چون در بازی ضدحمله تواناتر از حریفش عمل می‌کند . برای استقلال ، زدن گل اول ، شوق بردن است چون در این صورت تیم از توانایی‌های پرسپولیس که در شکل فداغی اش خلاصه می‌شود کاری‌اش را از دست می‌دهد . در نتیجه برای پرسپولیس گل اول را بخوردن دلیل یک بازی با صبر و حوصله‌یی می‌شود که در مقابل بازی عجولانه و غیرعقرون به صرفه استقلال در طول ۹۰ دقیقه می‌تواند عملی برای موفقیت شود .
ادامه در صفحه۱۲